دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۹۹-۲۲۸

نقد نظریه عدم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری

خلیل‌اله احمدوند*
محمد توحیدی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲٤
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

چکیده

در طول تاریخ فقاهت اسلام تا قبل از سده اخیر، در حرمت ربا هیچ تفاوتی بین ربای مصرفی و ربای تولیدی در فتوای فقهای شیعه و سنی دیده نمی‌شود. با گسترش نظام سرمایه‌داری و نفوذ آن به کشورهای اسلامی، بسیاری از تجار، صاحبان صنایع و بانکداران با مسأله تحریم ربا مواجه بودند. برای حل این مشکل گروهی از فقها و عالمان دین الگوی بانکداری بدون ربا را مطرح کردند و گروهی دیگر، با ملاک ضرورت حفظ اداره زندگی اقتصادی و اجتماعی، سعی نمودند تفسیرهای جدیدی از ربا را ارائه دهند. این گروه معتقدند آنچه به صورت ربا در اسلام تحریم شده، ربا در قرض‌های مصرفی است و با ادلّه دهگانه ادعا دارند که بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری ربا و حرام نیست.

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با بررسی پیشینه تاریخی ربا و دلایل تحریم آن، به نقد و بررسی این ادلّه دهگانه می‌پردازد تا نشان دهد که هیچ یک از این دلائل تمام و کامل نیستند و ربا، چه در قرض‌های مصرفی و چه در قرض‌های تولیدی و تجاری از دیدگاه اسلام حرام است.

واژگان کلیدی

ربا، قرض مصرفی، قرض تولیدی، قرض تجاری، ربای جاهلی، ظلم، اکل مال به باطل.

طبقه‌بندی JEL: D53, D52

* استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) ahmadvand@razi.ac.ir
** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق(ع) tohidi83@gmail.com

مقدمه

کلمه ربا مثل کلمات صلوه و زکاه و صیام و حج، از الفاظ حقایق شرعیه است، یعنی هرچند در لغت برای معنای مطلق زیاده وضع شده و قبل از شریعت در همان معنا حقیقت بوده، اما بعد از آمدن شریعت و نزول آیات تحریم ربا توسط سنت تفسیر شد. ربای معهودی که در شریعت حرام شده، مطلق زیادی نیست، بلکه ربا یک نوع زیادی معینی است که در معامله دو کالای هم جنس و در عقد قرض به صورت مشروط در ضمن قرار و در قبال مدت گرفته می‌شود و در زمان خود شارع در همین معنای خاص استعمال شده است. در طول تاریخ فقاهت اسلام (فقه شیعه و فقه سنی) تا قبل از سده اخیر، در حرمت ربا هیچ تفاوتی بین ربای مصرفی و ربای تولیدی در فتوای فقها دیده نمی‌شود؛ اما با گسترش نظام سرمایه‌داری و نفوذ آن به کشورهای اسلامی، بسیاری از تاجران، بانکداران و صاحبان صنایع با مسأله تحریم ربا در اقتصاد مواجه بودند و برای یافتن راه‌حلی شرعی به فقها، عالمان دین و دانشمندان علم اقتصاد متوسل شدند. برای حل این مشکل گروهی از فقها و عالمان دین، طرح ایجاد بانکداری بدون ربا را مطرح کردند و گروهی دیگر، نظام بانکداری براساس ربا را پذیرفته و با ملاک ضرورت حفظ اداره زندگی اقتصادی و اجتماعی سعی نمودند تفاسیر جدیدی از ربا را ارائه دهند. در آغاز برخی از اندیشه‌وران اهل سنت تفاسیر جدیدی از ربا را بیان کردند و سپس این نظریه‌ها وارد حوزه‌های شیعه شد و برخی از عالمان شیعی نیز آن را تأیید کردند. این گروه از اندیشه‌وران معتقدند آنچه به صورت ربا در اسلام تحریم شده، گرفتن زیاده در قرض‌های مصرفی است که قرض‌کننده به هدف تأمین نیازهای مصرفی قرض می‌کند؛ مانند قرض برای تهیه غذا، مسکن، هزینه دارو و... بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری که قرض‌کننده به هدف سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه مورد نیاز خود جهت تأسیس یا توسعه فعالیت اقتصادی قرض می‌کند، ربا و حرام نیست و با ادلّه و استدلال‌های ده‌گانه ادعا می‌کنند که بهره قرض‌های تولیدی یا سرمایه‌گذاری ربا و ممنوع نیست.

اینان کوشیده‌اند ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری را پدیده‌ای نوظهور جلوه دهند و درصدد اثبات این فرضیه هستند که ادلّه تحریم ربا شامل آن نمی‌شود و با محدود کردن قلمرو حرمت ربا، زمینه گسترش نظام سرمایه‌داری مبتنی‌بر بهره و ربا را در حوزه

اقتصادی کشورهای اسلامی که دارای حاکمیت ناشی از احکام و مبانی دینی (اسلام) هستند، به دلیل ضرورت و نیاز به آن، فراهم کنند. با یک نگاه کلی برون‌گرا، مجموع استدلال‌هایی که برای اثبات این نظریه از سوی طرفدارن حلیّت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری اقامه شده است با توجه به مستندات آنها، به چند دسته تقسیم می‌گردد:

۱. ادلّه‌ای که مستند به آیات قرآن کریم اقامه شده است.
۲. ادلّه‌ای که از اخبار و روایات استفاده شده است.
۳. ادلّه‌ای که به استناد مبانی عقلی و سیره عقلاء ارائه شده است.
٤. ادلّه‌ای که از مستندات تاریخی استخراج شده است.

۱. پیشینه تحقیق

ازحدود صد سال پیش تاکنون با گسترش تدریجی نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی و تأسیس بانک به عنوان مهمترین واسطه مالی، مسائل جدیدی پیرامون ربا مطرح شد که این امر از آن زمان تا کنون سبب شد محققان، اندیشمندان و فقیهان اسلامی در جستجوی راه‌حلی برای این امر باشند و در همین زمینه فقها و محققان اسلامی تحقیقات ارزشمند و مطالعات زیادی در ارتباط با مسأله حلیّت ربا چه در قرض‌های مصرفی و چه در قرض‌های تولیدی و تجاری انجام داده‌اند که ازجمله این تحقیقات می‌توان به نظریه آیت‌الله شیخ یوسف صانعی در کتاب فقه و زندگی اشاره کرد که به صورت مفصل به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند و نیز آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان مبحث ربا (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص۱۲) و همچنین ناصرکاتوزیان در مقاله‌ای که موضوع این مقاله پرداخته‌اند. از بین تحقیقات دانشمندان اهل سنت که طرفدار اختصاص حکم تحریم ربا به ربا در قرض‌های مصرفی هستند نیز می‌توان موارد زیر را نام برد: شیخ محمد شلتوت در کتاب «الفتاوا»، سید محمد رشید رضا در کتاب «تفسیر المنار»، مصطفی زرقا در کتاب «المشکلات العصریه»، شیخ عبدالوهاب معروف الدوالیبی در کنفرانس فقه اسلامی -که در سال ۱۹۵۱ در پاریس برگزار شد- و محمد طنطاوی در کتاب «الربا و المعاملات

العصریه». در مقابل این دسته از دانشمندان، مشهور فقهای مسلمان ربا را در هر نوع قرضی حرام می‌دانند و تحقیقاتی در نقد و رد نظریه قبل انجام داده‌اند، از جمله: محمد ابو زهره در کتاب «بحوث فی الربا»، رفیق یونس المصری در کتاب «القروض و ادله تحریمه»، فضل الرحمن در کتاب «مبحث تحلیلی حول الربا التجاری»، سیدعباس موسویان در مقاله‌ای با عنوان «ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری»، یداله دادگر در مقاله‌ای با عنوان «ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری» و خلیل‌اله احمدوند در پایان‌نامه دکتری دانشگاه امام صادق(ع) با عنوان «نقد و بررسی فقهی نظریه جواز (حلیت) ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری»، اما باید توجه داشت که در همه این تحقیقات انتقادی موضوع به صورت دقیق و مفصل و همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته است و همین امر انگیزه شده تا مقاله حاضر به رشته تحریر درآید.

این تحقیق با توجه به آنچه گفته شد در صدد آن است تا ضمن مطالعه و بررسی گسترده ادلّه و قیاس‌های طرفداران مباح بودن ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری، به تحلیل و کاوش در آنها پرداخته و تلاش کند که غلط و اشتباه بودن آنها را با استناد به آیات و روایات ائمه معصومین(ع) آشکار نماید و همچنین خطاها و ایراداهای موجود در این زمینه را برجسته نموده و دلیل‌هایی را بر بطلان آراء طرفداران حلیّت ربا چه در قرض‌های مصرفی و چه در قرض‌های تولیدی و تجاری ارائه دهد و راه‌حل‌هایی به منظور حل این موضوع بیابد. یافته‌های این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی و توصیفی گردآوری شده است، دلایل و برهان‌های متقن و محکمی در خصوص حرمت ربا علاوه‌بر قرض‌های مصرفی، در قرض‌های تولیدی و مصرفی ارائه می‌دهد.

در این تحقیق بعد از ذکر مقدمه و پیشینه تاریخی در مورد حرمت ربا، به نقد ادلّه طرفداران حلیّت ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی پرداخته شده است.

شایان ذکر است اگرچه موضوع حرام بودن ربا (چه در قرض‌های مصرفی و چه تولیدی) موضوع جدیدی نبوده و محققان، پژوهشگران و فقهای شیعه و سنی از زمان پدیدآمدن این مسأله تا کنون تحقیقات درخور توجهی انجام داده‌اند، ولیکن تا بحال هیچ تحقیق مستقل و منسجمی به طور جداگانه به برشمردن دلایل حلیّت ربا و نقد و

بررسی آنها نپرداخته است. لذا از ایـن جهـت تحقیـق حاضـر مـی‌توانـد دارای ویژگـی جامعیّت و نوآوری باشد.

۲. ادلّه اختصاص تحریم ربا به قرض‌های مصرفی

۲-۱. اختصاص ربای جاهلی به ربا در قرض‌های مصرفی

اکثر طرفداران حلیّت و جواز ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری می‌گویند: «تنها ربـایی که در عصر جاهلیت و زمان نزول آیات تحریم ربا و صدر اسلام، بـین اعـراب جـاهلی رواج و مرسوم بوده، ربا در قرض‌هـای مصـرفی بـوده و اصـلاً قـرض‌هـای تولیـدی و تجاری در آن زمان مطرح نبـوده اسـت، بلکـه قـرض‌هـای تولیـدی، سـرمایه‌گـذاری و تجاری، بعد از گسترش فعالیت‌های تجاری و تولیدی و احتیاج به سرمایه‌هـای متـراکم رواج پیدا کرده که مربوط به چند قرن اخیر است؛ بنابراین آیات تحریم ربا ناظر بـه ربـا در قرض‌های مصرفی است و نسبت به قرض‌هـای تولیـدی و تجـاری انصـراف دارد و اصلاً شامل آنها نمی‌شود». برخی از معاصران در این خصوص می‌گوینـد: «از تفاسـیر و کتب روایی و تاریخی به دست می‌آید که در زمان نزول آیـات قـرآن، ربـای اسـتهلاکی (مصرفی) رواج داشته است. خواه در ابتدای قرض گرفتن، زیاده شرط مـی‌شـد، کـه از نظر فقهی قرض به شرط تعبیر می‌شود و خواه ربا بـرای تـأخیر در زمـان پرداخـت یـا تقسیط بدهی دریافت می‌شد، بدین ترتیب که وقتی تاریخ باز پرداخت فرا مـی‌رسـید و بدهکار، توان ادای قرض را نداشت، طلبکار تقاضای مبلغی جهت مهلت دادن مـی‌کـرد، لیکن امروزه صورت دیگری برای ربا متصور است که به ندرت در گذشته یافت می‌شد و از مختصات زندگی پیشرفته امروزی اسـت، و آن ایـن اسـت کـه شـخص ثروتمنـد، جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی (چون سـاختمان‌سـازی، سـاخت و راه‌انـدازی کارخانـه، احداث مرغداری و...) نیاز به سرمایه تکمیلی دارد، یعنی مبلغ قابل توجهی از سرمایه را دارد و توان انجام دادن کار را در خود می‌بیند و برای تکمیل سرمایه، قرض می‌گیـرد و در مقابل آن، زیادتی شرط می‌کند، این نوع از ربا را ربای انتاجی و تولیـدی مـی‌نامنـد، مدعای ما این است که این قسم حرام نیست و ادلّه تحریم شامل آن نمی‌شود» (صانعی، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۳۱).

ازسید محمدطنطاوی نیز چنین نقل شده است: «یکی از ادله اختصاص ربای محرم به ربا در قرض‌های مصرفی و عدم تحریم آن در قرض‌های تولیدی و تجاری این است که قرض‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری برای اهداف تجاری در هنگام ظهور اسلام برای عرب جاهلی شناخته شده نبوده است» (لاشین فتحی، ۲۰۰۳، ص۹).

۲-۱-۱. نقد دلیل اول

۲-۱-۱-۱. جواب اول

این ادعا که در عصر نزول آیات تحریم کننده ربا، فقط قرض مصرفی در بین مردم جاهلی وجود داشته، نمی‌تواند ادعای درستی باشد و کاملاً خلاف واقعیت اجتماعی آن زمان است و کسانی که این ادعا را دارند شناخت دقیق و کاملی از وضعیت اقتصادی و تجاری مردم در زمان جاهلیت در جزیرةالعرب را ندارند. بررسی تاریخ صدر اسلام و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مردم جزیرةالعرب به ویژه دو شهر مکه و مدینه که محل نزول آیات قرآن بر پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌باشد، بطلان این ادعا را به روشنی اثبات می‌کند. بازرگانان قریش برای تهیه سرمایه تجاری خود از روش‌های ذیل استفاده می‌کردند:

الف. مضاربه

از جمله راه‌های ازدیاد ثروت، مضاربه بود که به آن «قراض» هم می‌گفتند که در زمان جاهلیت، خسارت احتمالی برعهده تاجر (عامل) بود. پس از اسلام، خسارت برعهده صاحب سرمایه قرار گرفت و سود همچنان بر حسب توافق طرفین تقسیم می‌شد (طبری، ۱۳۹۹ق، ج۲، ص٤٣٤).

ب. ربا خواری

به اعتقاد بسیاری از تاریخ‌نویسان، یکی از راه‌های بسیار شایع ثروت‌اندوزی مردم شبه جزیره عربستان قبل از اسلام و در دوران ظهور اسلام، رباخواری در قرض‌های ربوی بوده است، هم از طریق وام و قرض دادن به نیازمندان و هم از طریق وام دادن به بازرگانان و تجار (جواد، ۱۹۷۱، ج۷، صص ٤٠٤-٤٢١). در ایام جاهلیت، صاحبان

ثروت به افراد قرض می‌دادند تا از این طریق سرمایه خود را افزایش دهند و این از طریق بکارگیری اموال قرض شده بوده است و همین مطلب از ابراهیم نخعی نیز نقل شده است (جواد، ۱۹۷۱م، ج۷، ص٤٢٨)؛ بنابراین گرفتن وام به منظور به کارگیری آن در امور تولیدی و بازرگانی بین اعراب جاهلی مرسوم بوده است. در آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹)؛ «و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن شماست (اصل سرمایه بدون سود)، نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». نکته‌ای وجود دارد که دلالت بر وجود ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری در زمان نزول آیه می‌کند و آن اینکه معمولاً کلمه رأس‌المال (سرمایه) در مورد قرض تولیدی وتجاری بکار می‌رود و در این آیه عبارت «رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ» اشاره به این دارد که قرضی که در آن زمان رایج بوده، قرض تجاری بوده که تعبیر به سرمایه کرده است (طباطبایی، بی‌تا، ج۲، ص٤٢٣).

رؤوس الاموال به اموال خالصی گفته می‌شد که در تجارت بکار می‌رفت و نیز به اموالی که به تاجران و نیازمندان داده می‌شد تا آنها از آن سود ببرند و مقداری از سود هم به صاحبان ثروت بدهند (جواد،۱۹۷۱م، ج۱۳، ص۲۸۹). تأمین سرمایه برای امور بازرگانی و تجارت از طریق قرض ربوی آن‌چنان بین اعراب جاهلی رواج داشت که وقتی اسلام ربا را تحریم کرد، شگفت زده شدند و گفتند: «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ همانا خرید و فروش مانند ربا است و خداوند خرید و فروش را حلال گردانیده و ربا را حرام نموده است. خرید و فروش و ربا مانند هم هستند در هر دو از طریق سرمایه (یکی کالا و یکی سرمایه نقدی) کسب درآمد می‌شود. چرا اسلام ربا را حرام ولی خرید و فروش را حلال کرده است؟ آنها معتقد بودند که نمی‌توان ربا را از دایره فعالیت‌های اقتصادی مردم کنارگذاشت، چون ربا اجرت سرمایه‌ای است که در اختیار تاجر گذاشته می‌شود» (جواد،۱۹۷۱م، ج۱۳ ص٤٢٨). نکته دیگر اکثر مفسرین «ال» الربا در آیات ذیل را عهد گرفته اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا» (آل عمران: ۱۳۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا نخورید». «إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

وَذَرُوا مَا بَقِیَ مِنَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای خداوند را پیشه سازید و هرآنچه را از (مطالبات) ربا باقی مانده است، رها سازید و «یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» (بقره: ۲۷٦)؛ خداوند ربا را نابود می‌سازد.

«ال» عهد به این معنا، که همان ربایی که متداول و رایج بین مردم است تحریم شده است و در آیه «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْکُلُوا الرِّبَا» مفسران معتقدند که «ال» اشاره به ربای معروف زمان جاهلی است و همچنین در آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹).

۲-۱-۱-۲. جواب دوم

یکی از روش‌های اجتهاد پویا در بدست آوردن احکام فروعات و مصادیق جدید، استخراج اصل در موضوع مورد بحث است. به نظر می‌رسد اصل در ربا تحریم باشد. استاد عبدالرزاق السنهوری در این رابطه می‌گوید: اصل در ربا حرام بودن است، ربا در تمام صورت‌هایش اعم از ربای جاهلی، ربای نسیه، ربای معاملی و ربای قرض حرام است. (السنهوری، بی‌تا، ص۱٦۹). این اصل را هم می‌توان از عمومات و اطلاقات و هم از حقوق طبیعی قرض، هم از آثار، تبعات و مفاسدی که مترتب بر ربا است، استنباط کرد. طبق حدیث شریف نبوی «کُلُّ قرضٍ یَجرُّ نَفعاً فَهو ربا حَرامٌ» (سیوطی، ۱۳۸۵، ج۲، ص۹٤)؛ هرگونه قرضی که سبب منفعت شود آن ربا است و حرام می‌باشد. در این حدیث از لفظ (کُل) استفاده شد که دلالت آن برعموم، قطعی است و بالوضع دلالت برعموم دارد پس شامل تمام مصادیق قرض، قدیم و جدید خواهد شد. طبیعت قرارداد قرض با اشتراط ربا منافات دارد چون قرض‌دهنده برای مدتی مال خود را از ملکیتش خارج می‌کند و به تملیک قرض‌گیرنده در می‌آورد، پس همان‌طوری که زیان و خسارت مال، به قرض‌گیرنده مربوط است، منافع و بهره آن هم مال اوست، پس اشتراط ربا با طبیعت قرض ناسازگار است. می‌توان نتیجه گرفت اصل اولیه و مقتضای اولیه، ممنوعیت ربا در قرض است؛ بنابراین مصادیق مستحدث و جدید هم تحت اصل اولیه، حرام خواهد بود. نکته دیگری که می‌توان اصل تحریم ربا را ازآن استفاده کرد، استثنائات ربا می‌باشد. در احادیث معصومان علیهم‌السلام مصادیقی مانند ربای بین پدر

و فرزند، بین زوج و زوجه، بین مسلمان و کافر حربی و... از حرمت ربا استثناء شده، که این استثنائات با اصل تحریم سازگار است و الا اگر اصل، تحریم ربا نبود، بلکه اباحه ربا بود، ذکر مصادیق حرام ضرورت داشت و بقیه مصادیق تحت اصل اولیه اباحه باقی می‌ماند، حال آنکه مصادیق و موارد غیر حرام استثناء شده که خود دلیل‌بر این است که اصل اولیه در ربا تحریم است. آنگاه می‌توان نتیجه گرفت هر مصداقی چه قدیم و چه جدید اگر دلیل خاص بر اباحه آن نداشته باشیم، تحت اصل اولیه حرمت باقی است؛ بنابراین بر فرض که دلیلی چه عمومات و اطلاقات و چه دلیل خاص برتحریم ربای در قرض تولیدی و تجاری نداشتیم (که داریم) باز هم حرام می‌باشد؛ زیرا اصل، حرمت مطلق رباست، مگر موردی که استثناء شده باشد و دلیلی براستثناء ربای تولیدی، از اصل اولیه حرمت ربا وجود ندارد.

۲-۲. اجمال آیات و روایات

دلیل دوم طراحان نظریه اختصاص ربای محرم به ربا در قرض‌های مصرفی (استهلاکی) و عدم حرمت آن در قرض‌های تولیدی و تجاری این است که آیات و روایات تحریم ربا اجمال دارند و در دلیل مجمل باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد و قدر متقین، همان ربای قرض‌های مصرفی است. اینان معتقدند که آیات و روایات گرچه از جهت تحریم، ظاهر، بلکه صریح هستند، اما از جهت قلمرو و مصادیق اجمال دارند. همه آیات ربا بدون متعرض شدن به موضوع ربا، حرمت و عقوبت دنیایی و آخرتی آن را مطرح می‌کنند. روایات ربا نیز گرچه موضوع ربا را متعرض شده و قرض مشروط به زیادی را از مصادیق ربا شمرده‌اند، اما هیچ توضیحی درباره نوع قرض نداده‌اند؛ بنابراین، برفرض هم که آیات و روایات به ربای جاهلی که خصوص قرض‌های مصرفی است، ناظر نباشد، دست کم اجمال دارد و قدر متقین از آنها، همان قرض مصرفی است و شامل قرض‌های تولیدی و تجاری نمی‌شود. یکی از فقهای معاصر در این خصوص چنین می‌گوید: «آیات قرآنی که ربا را مذمت می‌کنند، گرچه بر اصل حرمت دلالت دارند، اما نسبت به بیان مصداق‌ها و موارد آن، اجمال دارند و دلالتی برحرمت تمام انواع قرض، چه استهلاکی و چه استنتاجی ندارند. پس برخی از اقسام زیادتی حرام است و این

بعض در آیات روشن نیست و قدر متیقن از این حرمت می‌تواند ربای استهلاکی باشد» (صانعی، ۱۳۸۳، ص۳۱-٤۲).

۲-۲-۱. نقد دلیل دوم

بررسی و مطالعه دقیق آیات و روایات و شناخت روحیات عرب جاهلی و تاریخ اقتصادی و تجاری عرب جاهلی و اوضاع و احوال اجتماعی مردم در زمان نزول آیات تحریم ربا نشان می‌دهد هیچ‌گونه اجمالی در آیات تحریم ربا مخصوصاً در کلمه ربا وجود ندارد و آنها معنا و مفهوم و مصادیق ربای رائج در زمان خود را بخوبی می‌شناختند و آیات و روایات تحریم ربا را بر همان معنا و مفهوم حمل می‌کردند. کلمه ربا که در قرآن وارد شده، مجمل نبوده و نیاز به توضیح و بیان نداشته و کلمه ربا از معنای لغوی (مطلق زیاده) به معنای شرعی منتقل شد. چیزی که مبین و مفسر معنای ربا بود همان متفاهم عرفی و معنای واقعی‌ای بود که در بین مردم رایج و شناخته شده بود و مردم با آن معامله می‌کردند و وقتی آیات نازل شدند همه صحابه مقصود از آن را درک کردند و فهمیدند و بعدها هم در همین معنا حقیقت گشت. لذا هنگام نزول آیات تحریم ربا، هیچ یک از مسلمانان و مخصوصاً صحابه از معنا و مفهوم ربا از پیامبر اکرم(ص) سؤال نکردند که خود عدم سؤال قرینه و نشانه این است که مسلمانان صدر اسلام معنا و مفهوم ربا را می‌دانستند و هیچ‌گونه ابهام و اجمالی نسبت به آن نداشتند و الا سؤال می‌کردند.

بعضی از آیات و روایات دلالت صریح و واضح بر وجود ربای قرض تولیدی و تجاری دارند، بنابراین اگر بر فرض در بعضی از آیات و روایات اجمالی هم وجود داشته باشد، اجمال آنها توسط این‌گونه آیات و روایات خاص به طور کامل برطرف می‌شود. بنابراین رباخواری با تمام شیوه‌ها و روش‌های آن برای مردم کاملاً معروف و شناخته شده بوده و قرآن کریم هم همان ربای معروف و متداول را حرام کرده است؛ اما در مورد قدر متیقن گرفتن از مدلول آیات باید گفت که قدر متیقن گرفتن از مدلول آیات وقتی لازم است که واقعاً در معنا و مفهوم و یا در تشخیص مصادیق آیات اجمال وجود داشته باشد و دقیقاً معلوم نباشد که مراد و مقصود از دلیل چه مواردی از مفهوم

آن است، اما وقتی ما روشن کردیم که مخاطبان آیات در شناخت مصادیق و مفهوم کلمه ربا هیچ‌گونه اجمالی نیافته‌اند و دقیقاً معنا و مفهوم آن را فهمیده‌اند، دیگر نیازی به قدر متیقن گرفتن نیست و علاوه‌بر این اگر هم لازم باشد ممکن است گفته شود قدر متقین از آیات تحریم ربا، ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری است؛ زیرا این نوع قرض در آن زمان رایج‌تر و متعارف‌تر بوده است؛ اما همین مقدار که ما اثبات کردیم مفهوم و مصداق کلمه ربا اجمال ندارد، می‌توان به اطلاق آیات تمسک کرد و تمام مصادیق معروف و موجود ربا را حرام دانست.

این مطلب را علاوه‌بر مستندات تاریخی و روایی از خود آیات قرآن هم می‌شود فهمید. درآیه شریفه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ «و خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام گردانید»، از مقابله ربای محرم با بیع می‌شود استنتاج کرد که مراد از ربای محرم ربایی است که بیشتر شبیه بیع است که همان ربای قرض تجاری باشد و از آیه شریفه «فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُم» (بقره: ۲۷۹)؛ «سرمایه‌های اموالتان از آن شما است»، هم می‌توان استنباط کرد، مراد از ربای محرم ربایی است که قرض در آن بعنوان سرمایه بکار رفته و آن هم قرض تجاری است.

ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری ظلم نیست: سومین دلیل طراحان نظریه اختصاص ربای حرام به ربا در قرض‌های مصرفی و عدم حرمت آن در قرض‌های تولیدی و تجاری این است که در ادلّه تحریم ربا، چیزهایی بعنوان علت تحریم ذکر شده که آن علت‌ها فقط در ربای مصرفی وجود دارد و در ربای تولیدی و تجاری وجود ندارند. یکی ازچیزهایی که در لسان ادلّه به عنوان علت تحریم ربا ذکرشده است، ظلم است، بنابراین ربایی حرام است که موجب ظلم شود. در قرض‌های مصرفی نیازمند برای تأمین نیازهای ضروری زندگی به قرض احتیاج پیدا می‌کند. از آنجا که چنین افرادی توانایی پرداخت خود قرض را هم ندارند، گرفتن ربا از آنها ظلم به آنهاست، اما اگر قرض برای تولید یا تجارت باشد و قرض‌گیرنده هیچ‌گونه نیازی برای تأمین ضروریات و لوازم زندگی به این قرض ندارد و قرض‌گیرنده با این وام و قرض، سرمایه‌گذاری می‌کند و بهره زیادی از راه تجارت و تولید به دست می‌آورد و قرض‌دهنده با او شرط کند که مقداری از بهره حاصله را به عنوان منفعت سرمایه‌اش به

او بدهد، نه تنها ظلم به او نیست؛ زیرا سرمایه اولیه این تاجر و تولیدکننده، مال صاحب سرمایه است، بلکه عین عدالت است.

یکی از فقهای معاصر در این خصوص می‌گوید: «از آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» استفاده می‌شود که رباگرفتن ظلم است و عرفاً و عقلاً، آیه در مقام تعلیل حرمت ربا است. گرفتن زیاده ظلم است بر مدیون، پس تحریم ربا در این آیه دایر مدار ظلم است و حرمت منحصر است در مواردی که علت (ظلم) در آنها وجود دارد؛ بنابراین تنها مصداقی که ربا گرفتن در آن مستلزم ظلم بر مدیون می‌باشد، ربا در قرض‌های استهلاکی و مصرفی است، اما ربا در قرض‌های انتاجی، چون موجب رشد اقتصادی و گردش چرخ اقتصاد و تولید سرمایه می‌گردد، گرفتن ربا از مدیون مستلزم ظلم به او نخواهد شد» (صانعی، ۱۳۸۳). رشیدرضا می‌گوید: «اگر در قرض انتاجی شرط شود بخشی از سود تجارت به قرض دهنده پرداخت شود چه ستمی رخ می‌دهد و این چه ظلمی است که هم ظالم (قرض دهنده) و هم مظلوم (قرض گیرنده) از آن خوشحال‌اند؟ به عبارت دیگر ربا نگیرید، چون ربا از دیدگاه عرف و عقلاء ستم است و این به ربای استهلاکی اختصاص دارد و در ربای انتاجی و تولیدی مطرح نیست» (رشیدرضا، بی‌تا، ج۳، ص ۳۷-۳۶).

اینان می‌گویند ملاک حرمت ربا ظالمانه بودن آن است و این ملاک فقط در ربای مصرفی وجود دارد اما در ربای سرمایه گذاری (تولیدی) دلیلی‌بر ظالمانه بودن آن وجود ندارد؛ بنابراین اگر ما به گونه‌ای معاملات ربوی را انجام دهیم که ظالمانه نباشد ملاک حرمت در آن وجود ندارد. حتی یکی از صاحب‌نظران قید ظالمانه بودن ربا را در تعریف ربای قرضی اضافه می‌کند و از آن چنین نتیجه می‌گیرد که ربا تنها در قرض‌هایی مصداق پیدا می‌کند که ظالمانه بوده و در تنافی با اصل عدالت باشد بر این اساس، ربا تنها در قرض‌هایی حرام است که وام گیرنده به منظور تأمین نیازهای حیاتی و ضروری، مجبور به دریافت آن شده باشد، ولی ربا در وام‌های غیرضروری از قبیل راه‌اندازی و گسترش فعالیت‌های تجاری و یا خرید کالاهای لوکس حرام نیست. ایشان می‌افزاید که علت اینکه ربا بین فرزند و پدر و همسر و شوهر و مسلمان و کافر حربی

حرام نیست این است که گرفتن ربا در این موارد ظالمانه نیست و موجب بی‌عدالتی نمی‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص۸).

۲-۳-۱. نقد دلیل سوم

۲-۳-۱-۱. جواب نقضی

اگر ظلم به معنای اصطلاحی و علمی علت تحریم ربا باشد، به این معنا که حکم حرمت ربا دایر مدار ظلم باشد. پس در مواردی که ظلم نباشد نباید حکم حرمت هم باشد. در قرض تولیدی و تجاری هم بعضاً قرض‌گیرنده از تجارت خود ممکن است ضرر کند و یا سود نکند اینجا هم حکم به اباحه ربا و گرفتن زیادی از قرض گیرنده آیا موجب ظلم و اجحاف به او نخواهد شد؟

۲-۳-۱-۲. جواب حلّی

۲-۳-۱-۲-۱. جواب اول

بنظر می‌رسد ادلّه‌ای که ظلم را بعنوان علت تحریم ربا معرفی کرده ناظر به این معناست که اصل زیاده گرفتن در قرض موجب ظلم می‌شود و در این جهت فرقی بین مصادیق و انواع قرض وجود ندارد. همان‌طوری که آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» به این موضوع اشاره می‌کند: که اگر توبه کنید می‌توانید با گرفتن اصل مالی را که به قرض داده‌اید مورد ظلم قرار نگیرید و با نگرفتن ربا به کسی هم ظلم نکنید؛ یعنی گرفتن زیاده (ربا) در قرض موجب ظلم می‌شود؛ زیرا ظلم عبارت است از گرفتن چیزی که انسان مستحق آن نباشد و چون در قرض، قرض‌دهنده زیاده‌ای را بدون عوض از قرض گیرنده مطالبه می‌کند؛ پس ظلم خواهد بود و این امر یعنی گرفتن چیزی بدون عوض در هر نوع قرضی تحقق دارد، چه مصرفی و چه تولیدی. شهید مطهری نیز در این رابطه می‌گوید: «از تعبیرات قرآن به نظر می‌رسد که اساساً سود گرفتن از قرض را ظلم می‌داند قرآن کریم ربا گرفتن را تجاوز به حقوق قرض گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما اصلاً نا مشروع می‌داند» (مطهری، ١٣٦٤، ص۵۰). ظلم بودن ربا بخاطر ماهیت حقوقی قرض است که در قرض، انتقال ملکیت

صورت می‌گیرد و قرض‌دهنده برای مدتی مال خود را به ملک قرض‌گیرنده در می‌آورد، بنابراین اشتراط بهره و ربا در قرض به نفع قرض‌دهنده تجاوز به حقوق قرض گیرنده است، زیرا او مالک مال قرض گرفته شده گردیده و کسی حق ندارد منافع مال او را از او مطالبه کند حتی شخص قرض‌دهنده.

از نظر حقوقی، قرض‌گیرنده ضامن مال است و همان‌طوری که کلیه خسارات و ضرر و زیان‌ها به او بر می‌گردد. منافع و عوائد مال مقروض هم مال اوست. ظلم بودن به همین ملاک در تمام انواع قرض‌ها وجود دارد. قرض‌گیرنده چه قرض مصرفی و چه قرض تولیدی مالک مال مقروض می‌گردد و تمام منافع و بهره آن مال، مال اوست.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد هم از نظر حقوقی، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر قرآن علت تحریم ربا، ظلم است و ظلم هم حرام است، پس ربا حرام است؛ و ظلم به همان معنایی که در قرض مصرفی تحقق دارد در قرض تولیدی هم تحقق دارد پس به همان علتی که ربا در قرض مصرفی حرام است، ربا در قرض تولیدی هم حرام خواهد بود و هرگونه جداسازی این دو نوع قرض از حیث تحریم ربا قابل قبول و توجیه نیست.

۲-۳-۱-۲-۲. جواب دوم

اینک در اینجا، اصل علیت ظلم به معنای اصطلاح فقهی و اصولی نسبت به ربا را مورد نقد قرار می‌دهیم و می‌گوییم ظلم در آیات و روایات علت نیست تا حرمت ربا دایر مدار آن باشد، بلکه حکمت است و خاصیت حکمت این است که حکم شرعی تحریم ربا دایر مدار آن نیست، بلکه گاهی از یکدیگر تخلف پذیرند، ممکن است در موردی حکم شرعی باشد ولی حکمت آن نباشد؛ پس بنابر ادعای طرفداران نظریه که می‌گویند در ربای قرض تولیدی و تجاری ظلم وجود ندارد، این‌را می‌پذیریم اما پی‌آمد آن را که عدم وجود حکم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری رباست، نمی‌پذیریم زیرا ممکن است در این مورد حکمت نباشد ولی حکم وجود داشته باشد و هیچ‌گونه محذوری هم پیش نیاید. بخاطر همین مطالبی که عرض شد بعضی از فقها در اینکه ظلم را علت تحریم ربا بدانند تردید و توقف کرده‌اند. امام خمینی(ره) در این خصوص

می‌گوید: دریافت زیادی و گرفتن ربا از نظر شرع ظلم است و اگر نگوییم علت حرمت رباست، لااقل حکمت است (موسوی خمینی،۱٤۲۱ق، ج۲، ص٤۱۵) و نیزآیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این خصوص می‌گوید: «آنچه به صورت علت حکم در آیات و روایات مطرح می‌شود، معمولاً حکمت حکم است، نه علّت آن» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص۸۹).

باتوجه به مجموع ادلّه تحریم ربا، ظلم نمی‌تواند علت تامه و منحصره تحریم ربا باشد، به نحوی که حکم حرمت ربا دائر مدار آن باشد و بر اساس آن حکم نمود که گرفتن زیاده در قرض‌های مصرفی چون سبب ظلم است پس مصداق ربا ولی زیاده در قرض‌های تولیدی چون سبب ظلم نمی‌گردد؛ بنابراین غیر ربوی است، بلکه حکمت آن است و تعبیر به علیت در بعضی از آیات و روایات نمی‌تواند دلیل قانع کننده‌ای برای اثبات علیت آن باشد؛ زیرا در چنین مواردی علت به معنای دقیق و اصطلاحی خود بکار نرفته است و اصولاً آیات و روایات مورد استدلال در مقام بیان علیت تامه حرمت ربا در نوع خاصی از آن نیستند. علاوه‌بر اینکه در بعضی موارد که هیچ‌گونه ظلمی وجود ندارد، حتی به نظر قائلین به اختصاص، ربا حرام است (احمدوند، ۱۳۹٤)[۱].

۲-۳-۱-۲-۳. جواب سوم (احادیث خاص)

علاوه‌بر عمومات و اطلاقات از آیات و روایات، هم دلیل عقلی بر حرمت ربا در هر نوع قرضی داریم و هم اجماع فقهاء قدیماً و جدیداً برحرمت هر نوع ربایی داریم. هم بعضی از آیات و اخبار به صراحت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری را حرام می‌دانند.

حدیث اول: حدیث اسحاق بن عمار «عَن ابی الحسن عَلیه‌السَلام قالَ: سألَتَه عَن الرَجُل یَکُون لَهُ مَعَ رَجُل مالَ قَرضاً، فیعَطیه الشَیء من رَبَحه مخافة اَن یَقطَعَ ذلکَ عَنَهُ، فیأخذ مالَهُ من غَیرَ اَن یَکُونَ شَرطَ عَلیهِ؟ قالَ: لا بأسَ بِذلِکَ ما لَم یَکُن شَرطًا» (حرّعاملی، ۱٤۱۳، ج۱۸، ص۳۵٤). اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام موسی بن جعفر(ع) در مورد مردی که به مردی مالی را قرض داده، پرسیدم: قرض‌گیرنده با آن مال کار می‌کند و بخشی از سود را به قرض‌دهنده می‌پردازد، از ترس اینکه مبادا صاحب مال، دیگر به او

قرض ندهد، بدون اینکه از قبل بین آنان شرطی بوده باشد، امام فرمودند: مادامی که براساس شرط نباشد اشکالی ندارد. از این حدیث شریف دو نکته استفاده می‌شود: نکته اول: از کلمه (فَیُعطِیهِ مِن ربحِهِ) استفاده می‌شود که شخص قرض‌گیرنده مال مقروض را در تجارت و معامله بکار برده است و از آن راه سود بدست می‌آورده و مقداری از سود را به صاحب مال (قرض‌دهنده) پرداخت می‌کرده. پس معلوم می‌شود قرض برای کار تجاری بوده است. نکته دوم: امام می‌فرماید: مادامی که بین آنان شرط نشده، اشکالی ندارد. از این فرمایش امام معلوم می‌شود که اگر در قرض تجاری هم شرط سود (ربا) گردد حرام است.

حدیث دوم: علی بن جعفر عن اخیه (موسی بن جعفر) علیه‌السلام، قالَ: سألَتَه عَن رَجُل اَعطی رَجُلاً مائة دِرهَم یَعمَلُ بها، عَلی اَن یَعطِیَهَ خَمسَة دِراهَم اَو اَقَل اَو اَکثَرَ، هَل یَحلُ ذلک؟ قالَ: هذا الرِبَاً مَحضاً (حرّعاملی، ۱٤۱۳، ج۷، ص۱۳۷). علی بن جعفر در کتاب خود از برادرش موسی بن جعفر(ع) نقل می‌کند که ازحضرت پرسیدم مردی صد درهم به دیگری می‌دهد تا با آن کار کند به شرط این‌که پنج درهم یا کمتر یا بیشتر به او بپردازد آیا این حلال است؟ امام فرمود: این ربای محض است. از این حدیث هم می‌توان استفاده کرد که اولاً: احتمال این‌که قرارداد بین آنان قرض بوده وجود دارد و الا در غیر قرض (مضاربه) شرط سود به صورت درصدی از سود تجارت اشکالی ندارد، آنکه اشکال دارد شرط سود مقطوع است. ثانیاً: اگر برفرض قرارداد بین آنها، مضاربه بوده، شرط سود مقطوع ربا تلقی شده است چه رسد به اینکه قرارداد آنها قرض باشد، پس شرط سود قطعی در قرارداد قرض به طریق اولی حرام خواهد بود. ثالثاً از آنجا که از اول شرط سود رسانی شده امام فرمودند این ربای محض است و حرام خواهد بود؛ یعنی بارزترین مصداق ربای حرام همین مورد است پس چگونه می‌توان گفت ربا در قرض تولیدی حرام نیست؟

حدیث سوم: عن ابی عبدالله(ع)، اِنَهُ قالَ فِی الرَجُلَ یُعطی الرَجُل مالاً لَیَعمَلُ به عَلی اَن یُعطِیَه رَبَحاً مَقطُوعاً، قالَ هذا الرِبَاً مَحضاً (نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۳، ص۳٤٤). امام

صادق(ع) در مورد مردی که به کسی مالی می دهد تا با آن کار کند و شرط می‌کند که قرض‌گیرنده، سود مقطوعی بپردازد، فرمود: این ربای محض است.

در این حدیث هم: اولاً احتمالاً قرارداد بین آنان قرض بوده به همان دلیلی که در حدیث قبل گفتم، ثانیاً در اینجا سود مقطوع شرط شده و حال آنکه اگر قرارداد آنان مضاربه بود سود قطعی نمی‌تواند درست باشد و حضرت(ع) می‌فرماید: این ربای محض است پس معلوم می‌شود که شرط سود در قرض تولیدی و تجاری هم ربای حرام است.

به طور خلاصه باید گفت که اولاً برخی از آیات و روایات در حرمت ربای سرمایه‌گذاری (تولیدی و تجاری) ظهور دارند و ثانیاً بر فرض هم که از ظهورآنها صرف نظر کنیم، عموم و اطلاق آنها شامل هر نوع قرض با بهره، اعم از مصرفی و تجاری خواهد شد و ادعای اختصاص یا انصراف آنها به خصوص ربای قرض‌های مصرفی به دلیل نیاز دارد.

استدلال به آیه شریفه «وَ أَحلَّ اللهُ البَیعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا»: یکی از فقهای معاصر جهت اثبات حلیّت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری به این آیه شریفه استدلال کرده است. به این بیان که این جمله نسبت به جملات ماقبلش «الَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَا لَا یَقُومُونَ إِلَّا کَمَا یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ «کسانی که ربا می‌خورند رفتار و کردارشان مانند شخص فریب خورده شیطان است و چون رباخواران حق و باطل را تشخیص نمی‌دهند می‌گویند خرید و فروش هم مثل ربا است با اینکه خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است»، جمله مستأنفه است نه اینکه حال باشد از جمله قبلش، بنابراین معنای این جمله «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» بدون ارتباط با جملات قبلش این می‌شود که خداوند خرید و فروش را حلال اما ربا را حرام کرده است و روش شارع در بیان احکام به صورت اقناعی است نه تعبدی و فهم فلسفه و این حکم را به ارتکاز ذهنی مخاطبان واگذار کرده که خود تشخیص دهند چرا ربا حرام شده است (صانعی، ۱۳۸۳، ص۱۶). پس علت اینکه خداوند ربا را حرام کرده بخاطر این است که مردم می‌فهمند

ربا موجب ظلم و بهره‌کشی و فقیرتر شدن ضعیفان و سوء استفاده از آنها می‌شود و این فهم عرف و مردم فقط در ربای استهلاکی و مصرفی است و الا ربای تولیدی و تجاری چنین پیامدهای منفی ندارد و مردم چنین چیزهایی را از آن درک نمی‌کنند. بنابراین ربای استهلاکی فقط حرام است و ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری حرام نیست.

۲-٤-۱. نقد دلیل چهارم

اولاً چنانکه بحث شد اگر علت تحریم ربا ظلم و بهره‌کشی باشد، ظلم و بهره‌کشی به همان معنایی که در ربای مصرفی وجود دارد، در ربای تولیدی هم وجود دارد. اساساً قرارداد قرض با ربا و زیاده‌خواهی از نظر حقوقی منافات دارد. اتفاقاً، امروزه عرف این را می فهمد که در قرض تولیدی هم احتمال وجود ضرر و منفعت نبردن زیاد است و بسیار اتفاق می‌افتد که قرض‌گیرنده در امور تولیدی هم متضرر و ورشکسته می‌شود. هر چند که میزان ظلم در قرض‌های تولیدی و تجاری چه بسا کمتر از قرض‌های مصرفی باشد. اینجا هم همان علت (ظلم) وجود دارد و مورد درک و فهم ارتکازی مردم هم هست پس باید به همان علت، ربا در قرض تولیدی هم حرام باشد.

ثانیاً: آیه شریفه اطلاق دارد اگر نگوئیم عام است؛ چون در اینکه لفظ مفرد محلی به ال (الربا) مفید عموم است اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین شامل ربا در هر نوع قرضی خواهد شد و یا لااقل ظهور در ربای معهود در هنگام نزول آیه دارد که ما بیان کردیم ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری در آن زمان شایع بوده و به وفور وجود داشته است.

استدلال به حدیث «لَا یَکُونُ الرِّبَا إِلَّا فِیمَا یُکَالُ أو یُوزَنُ»: آیت‌الله صانعی برای عدم حرمت ربا در قرض تولیدی به این دسته از روایات که ربا را در غیر مکیل و موزون حرام نمی دانند تمسک کرده است. به این بیان که این روایات بر ربای قرضی دلالت ندارند و نسبت به ربای معاملی نیز اجمال دارند. به تعبیر دیگر این روایات فقط حصر را بیان می‌کنند نه محصور را یعنی مقصود از این روایات بیان انحصار حرمت رباست و از این جهت اطلاق ندارند. این احادیث ربا را در غیرمکیل و موزون نفی می‌کنند با این

که در غیرمکیل و موزون نیز ربا متصور است پس احادیث مذکور نسبت به ربای معاملی اجمال دارند و قابل تمسک نیستند (صانعی، ۱۳۸۳، صص ۱۹-۲۱).

۲-۵-۲. نقد دلیل پنجم

اولاً به تصریح خود استدلال‌کننده احادیث شامل ربای قرضی نمی‌شوند و هیچ‌گونه دلالتی بر آن ندارند و مربوط به ربای معاملی هستند. هرچند به گفته او در بیان مصداق ربای معاملی هم اجمال دارند، اما چگونه دلیل می‌شود بر عدم حرمت ربا در قرض تولیدی؟ ایشان بیان نکرده که از اجمال این احادیث مربوط به ربای معاملی، چگونه عدم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی را استنباط کرده است.

ثانیاً هر دلیل مجملی را با سایر ادلّه می‌توان روشن و مبین کرد. در ربای معاملی هم دلیل مبین زیاد داریم که عیناً موارد ربای معاملی را مشخص کرده‌اند.

ربا در قرض‌های تولیدی اکل مال به باطل نیست: طرفداران نظریه جواز ربا در قرض‌های تولیدی ادعا دارند که ربا در قرض‌های تولیدی اکل مال به باطل نیست. یکی از ادلّه تحریم ربا این است که رباخواری، خوردن مال به باطل است و خوردن مال به باطل هم مورد نهی شریعت است پس رباخواری هم حرام خواهد بود؛ اما اثبات کبری به دلیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل نخورید (از طریق نامشروع)، می‌باشد که صریحاً مسلمانان را از خوردن اموال یکدیگر به صورت باطل نهی می‌کند و اما اثبات صغری که رباخواری، اکل مال به باطل است، در آیه شریفه در مورد علت عذاب یهود می‌فرماید: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ١٦١)؛ و به خاطر ربا گرفتنشان در حالی که از آن نهی شده بودند و به ناحق مال مردم خوردنشان و برای کافران آنها عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم.

آیت‌الله صانعی درباره این آیه نوشته‌اند: ظاهر آیه این است که ربا و اکل مال به باطل یک چیز هستند و از قبیل ذکر عام بعد از خاص است؛ و بدون شک، گرفتن زیادی در قرض‌های مصرفی که در افزایش ثروت فرد و جامعه هیچ نقشی ندارند، اکل

مال به باطل است اما قرض‌های تولیدی و سرمایه‌ای، در اقتصاد نقش سازنده دارند و باعث افزایش سود برای تولید کننده و ثروت جامعه می‌شوند و در چرخه اقتصادی باعث رشد و توسعه می‌شوند، پس اشتراط بخشی از سود حاصل از به کارگیری قرض، برای قرض‌دهنده به ناحق و باطل نیست (صانعی، ۱۳۸۳، ص٤٢).

۲-٦-۱. نقد دلیل ششم

از نظر مفهوم، اکل مال به باطل دارای چند معنا می‌باشد. اول: گرفتن چیزی بدون حق و استحقاق آن، (بدون عوض). این معنا را طبرسی در مجمع‌البیان ذیل آیه شریفه ۲۹ سوره نساء و فخر رازی در ذیل همین آیه گفته‌اند. دوم: بدست آوردن مال از راه غیرحلال و غیرصحیح و مصرف کردن آن در راه غیرحق، از نظر مصداق، روایات و تفاسیر، ربا را یکی از مصادیق بارز اکل مال به باطل می‌دانند. طبرسی در مجمع‌البیان در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء: ۲۹) می گوید مراد از باطل: ربا، قمار، کم‌فروشی و ظلم است. این قول از امام باقر(ع) نقل شده است؛ اما از نظر مفهومی، مراد از باطل، گرفتن چیزی بدون حق و استحقاق است یعنی بدون عوض و یا بدست آوردن مال از راه نامشروع و مصرف کردن در راه غیرحلال» (طبرسی، ۱۳۳۹ق، ج۳، ص٦٨).

پس اولاً: بنابر این روایات و تفاسیر، ربا، هم از نظر مصداق و هم از نظر مفهوم، بدون شک اکل مال به باطل است؛ زیرا ربا گرفتن زیادی بدون عوض است و خوردن مال دیگران بغیر حق است؛ اما از این جهت هیچ تفاوتی بین ربا در قرض مصرفی و یا غیرمصرفی وجود ندارد. ربا در هر دو به یک معناست.

ثانیاً: برخی از قرض‌های تولیدی نیز منتهی به بازدهی و تولید سرمایه و افزایش ثروت نمی‌شوند. بلکه در مواردی با ورشکستگی و خسارت مواجه می‌شوند و در مقابل، قرض‌های مصرفی در مواردی باعث رشد سرمایه و ثروت و افزایش سرمایه انسانی و بهبود وضعیت کار و افزایش بهره‌وری جامعه می‌شوند؛ بنابراین تقسیم قرض‌ها، به دو گروه مصرفی و تولیدی و ادعای این‌که همه قرض‌های تولیدی باعث افزایش ثروت و تولید سرمایه می‌شود و گرفتن زیاده در آنها، اکل مال به باطل نیست و

همه قرض‌های مصرفی نقشی در افزایش ثروت جامعه ندارند و گرفتن زیاده در آنها اکل مال به باطل است، تقسیم درستی نیست.

ربا در قرض تولیدی بنابر سیره عقلاء حرام نیست: طراحان نظریه اختصاص تحریم ربا به ربا در قرض‌های مصرفی و عدم تحریم آن در قرض‌ها تجاری و تولیدی گفته‌اند: سیره عقلاء بر حلیّت و جواز رباگرفتن در قرض‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، دلالت دارد و شارع مقدس هم از آن سیره ردع و منعی نکرده است و این خود می‌تواند شاهدی بر حلیّت باشد و در معاملاتی که مبنایش امضاء است نه تأسیس، عدم ردع شارع برای امضاء کفایت می‌کند (صانعی، ۱۳۸۳، ص٤٥).

۲-۷-۱. نقد دلیل هفتم

اولاً: بر فرض که چنین سیره‌ای وجود داشته باشد، این سیره حجت نیست زیرا با تسامح و سهل‌انگاری همراه است. به عبارت دیگر عقلاء در این سیره با احکام شرعی قراردادها آشنا نیستند وخیلی به آنها توجه ندارند. ما باید ابتدا در قراردادهای شرعی کسب سود حلال را تبیین کنیم، آنگاه ببینیم آیا عقلاء با توجه به آن باز هم چنین سیره‌ای دارند؟

ثانیاً: برعکس ادعای طراحان نظریه، از قدیم‌الایام حتی قبل از اسلام بعضی عقلای مردم با سود و بهره و ربا در ضمن قرض مخالف بوده‌اند و چنین سیره قطعیه عقلائیه‌ای هم که ادعا شده وجود نداشته است. به عبارت دیگر، استناد به سیره عقلاء بعنوان یک دلیل، برای اثبات چیزی، منوط به این است که خود سیره عقلاء احراز شود تا آنگاه بتوان از ردع یا عدم ردع شارع نسبت به آن، بحث شود اما در مسأله محل بحث، اساساً با وجود اختلافات شدید بین عقلاء وجود چنین سیره عقلائیه‌ای محرز نیست.

در بین اقتصاددانان هم کسانی هستند که با وجود بهره و ربا چه وام‌های استهلاکی و چه تولیدی و انتاجی مخالف هستند و آن را مطلقاً حرام و ممنوع دانسته و به نفع اقتصاد نمی‌دانند (فضل الرحمن، ۱۹۵۸م؛ مصری، ١٤١٢ق، ص٢٦٠؛ مصرف التنمیه الاسلامی، ١٤٠٧ق، ص۲۷۸-۲۷۷). چگونه می‌توان ادعا کرد سیره عقلاء معاصر برجواز

و اباحه ربا در قرض‌های تولید، وجود دارد. ازجمله دلایل اقتصاددانان برای مخالفت با قرض با بهره حتی با بهره خیلی اندک این است که در قرض با بهره لزوماً ارتباط با اقتصاد واقعی برقرار نمی‌شود و نرخ بهره به‌صورت برون‌زا نسبت به اقتصاد واقعی تعیین می‌شود. درحالی‌که نرخ سود در مضاربه به‌صورت درون‌زا و متناسب با سود فعالیت اقتصادی تعیین خواهد شد.

دکتر معروف الدوالیبی از طرفداران نظریه عدم حرمت ربا در قرض‌های تجاری، تولیدی استدلالی بر مدعای خود اقامه کرده و می‌گوید: امروزه اوضاع اقتصادی جهان تغییر کرده و مؤسسات تولیدی و تجاری در سراسر کشورها به وجود آمده‌اند و بیشتر قرض‌ها از مصرفی به سرمایه‌گذاری تبدیل‌شده‌اند. پس لازم است، متناسب با این تحول، احکام مربوطه نیز تغییر کند، مصداق روشن این امر، قرض‌های شرکت‌های بزرگ و حکومت‌هاست که از صاحبان پس‌اندازهای کوچک استقراض می‌کنند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص۳۰۰). ایشان دلیل اباحه ربا در قرض‌های تجاری را تغییر و تحول در اوضاع اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌داند و ازدیاد شرکت‌های تولیدی و تجاری و تبدیل قرض‌های مصرفی را به قرض‌های سرمایه‌ای علت جواز ربا می‌داند.

۲-۸-۱. نقد دلیل هشتم

حکم ربا به این شدت و غلظتی که در اسلام حرام شده، با این تغییرات در اوضاع اقتصادی تغییر نخواهد کرد، به‌عبارت‌دیگر حکم تحریم ربا با اطلاقات و عمومات و ادلّه خاص بسیار قوی اثبات شده که به‌هیچ‌وجه قابل تغییر نیست؛ بنابراین وضعیت جدید اقتصادی باعث این نمی‌شود که حکم ربا در مصداق قرض‌های تولیدی و تجاری تغییر کند. هرچند اوضاع و شرایط اقتصادی جدید جهان اقتضا می‌کند که به سرمایه‌های نقدی هم سود داده شود، ولی ضرورتی ندارد که این سود از راه قرارداد قرض باشد، بلکه راه‌های جایگزین در شریعت وجود دارد که سود سرمایه همراه با ریسک و نوسان در سود را محقق می‌سازد و ما را از سود پول از راه قرض بی‌نیاز می‌کند. موضوع ربا در عصر حاضر و زمان صدور حکم آن و در تمام عصرها تغییر

نکرده و مرتفع نشده، زیرا موضوع حکم حرمت، عبارت است از زیاده مشروط در قرض و بیع، ربا به این معنا با تغییر و تحول اجتماعی و پیشرفت صنعتی و با اختلاف دوره‌ها و عصرها، تغییر نمی‌کند، پس ربا، رباست در هرزمانی و مکانی. در تمام جوامع، چه پیشرفته و چه غیر پیشرفته، چه قدیم چه جدید، حکم حرمت ربا باقی خواهد بود آنچه در زمان‌ها و جوامع و تمدن‌های پیشرفته با گذشته تفاوت دارد، روش‌های رباخواری و کید و نیرنگ‌های رباخواران و راه‌های بدست آوردن اموال مردم است.

عدم حرمت شرط به نفع وام‌گیرنده: برای اثبات اختصاص حرمت ربا به قرض‌های مصرفی و ضروری به توجیهات دیگری دست زده‌اند که در واقع این دلیل‌ها، نوعی توجیه و استحسان خود این افراد است و الا دلیل علمی و منطقی قابل‌توجهی نمی‌تواند باشد. ازجمله عدم حرمت شرط به نفع وام‌گیرنده است. گفته شده اگر در قرض شرط گردد که قرض گیرنده مقدار کمتری از آنچه که قرض گرفته به قرض دهنده پرداخت کند، این شرط حرام نیست. مثلاً اگر ۱۰۰ هزار تومان قرض گرفته، شرط شود که ۸۰ هزار تومان بازپرداخت کند. به این دلیل که چون معمولاً قرض‌گیرنده فقیر و نیازمند است اگر شرط شود کمتر از مقدار مال مقروض به قرض‌دهنده بپردازد، ظلمی تحقق پیدا نکرده، پس حرام نیست و همچنین در قرض‌های تولیدی همچون ربا موجب ظلم نمی‌شود پس حرام نخواهد بود و ادعا شده که عدم حرمت چنین شرطی در میان فقهای شیعه مخالف ندارد و عبارت‌هایی هم در این باره ذکر شده است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج۲۵، ص۱۳ و موسوی خمینی، ۱۳٦۱، ص٥٦۹).

۲-۹-۱. نقد دلیل نهم

چنانچه به تفضیل اثبات شد، اولاً ملاک و علت تامّه حرمت ربا، ظالمانه بودن آن نیست بلکه ظالمانه بودن حکمت حکم حرمت ربا است و چه‌بسا درجایی حکمت نباشد اما حکم حرمت باشد. ثانیاً بنابر تعریف اصطلاحی ربا که عبارت است از زیاده گرفتن مشروط در قرض، در مورد شرط به نفع وام‌گیرنده که کمتر ازآنچه گرفته بپردازد. اصلاً ربا صدق نمی‌کند و عدم حرمت به خاطر عدم صدق رباست نه به خاطر عدم ظالمانه بودن آن، چون ربا یعنی زیاده‌خواهی، بهره‌کشی از قرض‌گیرنده و اینجا اصولاً

زیاده‌خواهی نیست بلکه کم‌دهی و تنزیل است؛ بنابراین عدم حرمت چنین شرطی اساساً خروج موضوعی است و تخصصاً از بحث ربا خارج است و به همین دلیل ادلّه حرمت ربا شامل آن نمی‌شود.

تمسک به چند روایت: برای اثبات عدم تحریم ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری و سرمایه‌گذاری و اختصاص تحریم ربا به قرض‌های مصرفی و ضروری به چند روایت تمسک شده اشاره می‌شود، از جمله:

۱. امام صادق(ع) فرموده: «مَکتُوبُ عَلّی بابُ الجَنَةَ الصَدَقَة بَعشِر و القَرض بِثَمانِیَةَ عَشَر و اِنَما صَارَ القَرضَ اَفضَلَ مَن الصَدَقَة لِاَنَ المُستَقرَضَ لا یَستَقرِضُ اِلا من حاجَةَ و قَد یَطِلبُ الصَدَقَة من لایَحتاجَ اِلیها» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج۱۰۳، ص۱۳۹). امام صادق(ع) فرموده: بر روی در بهشت نوشته شده صدقه ده تا ثواب دارد، اما قرض‌الحسنه هیجده ثواب دارد؛ و همانا قرض از صدقه بهتر است به خاطر اینکه کسی قرض نمی‌کند مگر اینکه از روی حاجت و ضرورت باشد، اما کسی که تقاضای صدقه می‌کند، به آن نیاز ندارد. در این روایت اشاره گردیده است که قرض برای موارد حاجت و ضرورت است که این نوع قرض همان قرض مصرفی و استهلاکی است و ازنظر این روایت قرض در زمان ائمه فقط برای نیازهای مصرفی و ضروری کاربرد داشته است و در آن زمان از قرض به‌منظور تولید و تجارت استفاده نمی‌شده است و استفاده از قرض برای تولید و تجارت خاستگاه جامعه مدرن امروزی است.

۲. مارواه الکلینی بسند معتبر عن محمدبن مسلم عن ابی عبدالله(ع) فی حدیث: قلتُ: اِن من عَندنا یروَنَ اَن کُلُ قَرَضَ یَجرّ مَنفَعَة فَهُوَ فاسِدِ. فَقالَ: اَولَیسَ خَیرَالقَرَض ما جرّ مَنفَعَة (حرّعاملی، ۱٤۱۳ق، ج۱۸، ص۳٥٤). کلینی به سند معتبر از محمد بن مسلم و او از امام صادق(ع) نقل می‌کند که به امام گفته شد، کسانی که نزد ما هستند معتقدند هر قرضی که منفعت به دنبال داشته باشد، فاسد و باطل است. امام فرمود: آیا چنین نیست که بهترین قرض، قرضی است که بهره و منفعت به دنبال داشته باشد یعنی موجب سود و بهره شود. مرحوم کلینی همین حدیث را

از امام باقر(ع) نیز نقل کرده است (حرّعاملی،۱٤۱۳ق، ج۱۸، ص۳۵۵). از این روایت استفاده شده برای تبیین اینکه گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری اشکالی نداشته و این روایت نیز اشاره به چنین قرض‌هایی دارد.

۲-۱۰-۱. نقد دلیل دهم

این دو یا چند روایت در مقابل روایاتی که به‌صراحت دلالت بر حرمت ربای مشروط در ضمن قرض داشتند، حمل بر مواردی می‌شوند که در ضمن عقد قرض، ربا، شرط نشده باشد. بله مستحب است که قرض‌گیرنده هنگام پس‌دادن قرض، مقداری سود بر آن اضافه کند و به قرض‌دهنده بپردازد. البته بدون شرط قبلی، روایاتی که قبلاً ذکر شده دلالت بر اباحه اینکار می‌کند. پس اینکه حضرت فرموده بهترین قرض، قرضی است که موجب سود و بهره شود. در صورتی است که قرض مشروط به سود و بهره نباشد. چون روایات صحیح زیادی داریم که دلالت دارند اگر سود و ربا در ضمن قرارداد قرض شرط شده باشد، حرام است.

اما روایت اول که فرمود: «المُستَقرَضَ لا یَستَقرِضُ اِلا من حاجَهَ». اولاً: حاجت اعم است از اینکه حاجت مصرفی باشد یا غیر مصرفی، در واقع کسی که برای احداث کارخانه تولیدی و تجارت نیز قرض می‌کند به خاطر این است که سرمایه خودش کفایت نمی‌کند، نیاز به وام پیدا می‌کند و الا اگر سرمایه خودش کفایت می‌کرد چرا وام با بهره بگیرد؟ همچنین اشاره گردید که قرض‌های تجاری نیز در زمان صدر اسلام در کنار قرض‌های مصرفی رواج داشته و مسأله جدیدی محسوب نمی‌شود.

با در نظر گرفتن اطلاقات و عمومات ادله تحریم ربا و دلیل‌های خاصی که ربا در قرض‌های تولیدی – تجاری را نیز تحریم می‌کنند، وجهی برای تمسک به این احادیث باقی نمی‌ماند؛ و در واقع تمسک به این دلیل‌ها، نوعی توجیه و اقناع نفس و استحسان به شمار می‌رود و الّا این چند حدیث که به راحتی در مقابل آن همه دلیل قوی مطلق و عام، قابل جمع هستند نمی‌توانند مسأله‌ای به این مهمی راحل کنند و ربا در قرض‌های تولیدی- تجاری را حلال کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ربا یک پدیده ناهنجار اجتماعی و اقتصادی است که علاوه‌بر اینکه موجب نافرمانی خداوند متعال و عقوبت اخروی می‌گردد، آثار مخرب مادی و روانی زیادی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی رباخواران و رباپردازان بجای می‌گذارد و باعث از بین رفتن روحیه احسان و همکاری و کم‌رنگ شدن فرهنگ ایثار و فداکاری می‌گردد و نیز منشأ پیدایش و رشد بی‌عدالتی و ظلم و عمیق‌تر شدن فاصله می‌گردد. نظریه‌های مطروحه در باب توجیه شرعی بعضی از موارد رباخواری و محدود کردن قلمرو تحریم ربا، پایه و اساس محکم علمی ندارد و نمی‌توانند اطمینان خاطری بر عدم ارتکاب گناه رباخواری به دریافت‌کنندگان ربا در فعالیت‌های مالی و اقتصادی بدهند. این نظریات به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیستند. مبانی نظری و علمی نظریه جواز ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری، کاملاً قابل نقد و خدشه هستند و به‌راحتی می‌توان زیرساخت‌های نظریه مذکور را تخریب نمود و به دنبال آن دو ساختار و دست آورده‌ای عملی آن را نیز رد کرد. تمام استدلال‌ها و توجیهات طرفداران نظریه، جهت برون‌رفت رباخواری در قرض‌های تولیدی و تجاری از دایره حرمت ربا بی‌ثمر و ناکام می‌باشد و تحقیق شد که آنان با این دلیل‌های ضعیف و بی‌اساس نمی‌توانند ادعای جواز ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری را اثبات نمایند.

اثبات شد که ظلم علت تامه تحریم ربا نیست و آیات تحریم‌کننده ربا نسبت به شمول ربا در انواع قرض هیچ‌گونه اجمالی ندارند و درنتیجه اطلاق و عموم آیات شامل ربا در هر نوع قرضی می‌شوند. باوجود ادعای طرفداران نظریه که ربای جاهلی منحصر به ربا در قرض‌های مصر فی بوده با ادلّه و شواهد کافی اثبات شد ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری نیز در عصر جاهلی و نزول وحی به‌وفور رواج داشته و آیات قرآن ناظر بر آن نازل‌شده‌اند و حکم تحریم ربای استنباط شده از آیات به‌طور قطعی شامل ربا در قرض تولیدی نیز می‌گردد؛ بنابراین ما می‌توانیم برای استنباط حکم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری به عمومات و اطلاقات آیات و روایات مربوط به ربا، تمسک کنیم و نیز ادعای عاری بودن آنها از هرگونه تخصیص و تقیید قابل‌قبول است. علاوه‌بر این، روایات خاصی در باب حرمت ربا در قرض تولیدی و

تجاری هم داشتیم که دلالت آنها خیلی واضح و روشن بود و نیز در کنار آیات و روایات، اجماع مورد ادعای فقهای مسلمین بر حرمت ربا شامل ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری می‌گردد که این اجماع باوجود آیات و روایت ذکر شده، اجماع مدرکی خواهد بود. سیره عقلای عالم بر نکوهش رباخوار و زشتی پدیده ربا در جامعه و تنافی ربا با ماهیت طبیعی قرض نیز ما را کمک می‌کنند تا با اطمینان بیشتری حکم به حرمت ربا در مطلق قرض اعم از مصرفی و تجاری کنیم. پس از اینکه حرمت ربا در هر نوع قرضی ثابت شد، فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری و... که در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کنند نمی‌تواند براساس قرارداد قرض با بهره طراحی شود و چنین بانک‌ها و مؤسساتی که در بخش سپرده‌ها و اعطای وام و اعتبارات براساس قرض با بهره طراحی‌شده‌اند مشکل ربای محرم را خواهند داشت. ونیز دولت‌ها، شهرداری‌ها، بنگاه‌های اقتصادی نمی‌توانند جهت تأمین نیازهای مالی خود در طرح‌های اقتصادی از اوراق قرض‌الحسنه استفاده کنند، بلکه باید به سراغ دیگر معاملات مشروع مانند مضاربه، جعاله، بیع سلف، اجاره به‌شرط تملیک و فروش اقساطی و... بروند.

یادداشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله «تعیین میزان علیت ظلم در تحریم ربا در قرض‌های مصرفی و تولیدی» چاپ شده در دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹٤.

کتابنامه

قرآن کریم

ابوحنیفه، النعمان بن محمد (بی‌تا)، *دعائم الاسلام*، مصر: دارالمعارف.

ابوزهره، محمد (۱۳۹۰ق)، *بحوث فی الربا*، بیروت: دارالبحوث العلمیه.

السیوطی، عبدالرحمان بن أبی بکر (۱۳۸۵ق)، *الجامع الصغیر*، مصر: طبعه مصر.

بروجردی، سیدحسین (۱٤۱۰ق)، *جامع الاحادیث الشیعه*، قم: چاپخانه علمیه.

جواد، علی (۱۹۷۱م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالعلم، چاپ اول.
جواد، علی (۱۹۷۱م)، *المفصل فی تاریخ العرب الإسلام*، بیروت: دارالعلم، چاپ اول.
جواهری، حسن محمدنقی (۱٤۰۵ق)، *الربا فقهیاً و اقتصادیاً*، قم: چاپخانه خیام.
رشیدرضا، سیدمحمد (بی‌تا)، *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، چاپ دوم.
رشیدرضا، سیدمحمد (۱٤۰٦ق)، *الربا و المعاملات فی الاسلام*، بیروت: دارابن زیدون.
رفیق المصری، یونس (,۱٤۰۷ق)، *مصرف التنمیه الإسلامی*، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعه الثالثه.
سنهوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا)، *الوسیط فی شرح القانون المدنی*، القاهره.
سنهوری، عبدالرزاق (۱۹٥٤م)، *مصادر الحق فی‌الفقه الاسلامی*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
شلتوت، محمود (۱۳۹٥ق)، *الفتاوی*، بیروت: دارالشروق.
شیخ حر عاملی، محمدبن حسن (۱٤۱۳ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث العربی.
صانعی، یوسف (۱۳۸۳)، *کتاب فقه و زندگی ۱، ربای تولیدی*، قم: میثم تمار.
طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *تفسیرالمیزان*، قم: جامعه مدرسین.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۹)، *مجمع البیان*، تهران: شرکه المعارف الاسلامیه.
طبری، محمدبن جریر (۱۳۹۹ق)، *تاریخ طبری*، قاهره: دارالفکر.
متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۹۸۹م)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
مطهری، مرتضی (۱۳٦٤)، *ربا، بانک و بیمه*، تهران: صدرا.
موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۹) «مبحث ربا»، *متین*، سال سوم، شماره ۱۰.
موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳٦۱)، *تحریرالوسیله*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
موسوی خمینی، روح‌الله (۱٤۲۱ق)، *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۷)، *کرسی نقد ٤*، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
مصری، رفیق یونس (١٤١٢ق)، *الجامع فی اصول‌الربا*، بیروت: الدارالشامیهٔ، چاپ اول.
مصری، رفیق یونس (١٤٠٧ق)، *مصرف التنمیه الاسلامیه او محاولهٔ جدیدهٔ فی الربا و الفائده و البنک*، بیروت: مؤسسه الرساله.
محقق حلی، جعفر بن حسن (بی‌تا)، النهایه و نکتها، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد۲، ص۱۱۸.
نجفی، محمدحسن (١٣٦٥)، *جواهرالکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نوری، حسین (١٤٠٨ق)، *مستدرک الوسایل*، قم: مؤسسه آل‌البیت.

Islamic Economics Studies, Vol. 9, No. 1 (Serial 17), Autumn 2016 & Winter 2017

A Survey of the Theory of Non Prohibition of Riba in Production Loans

Kalil Allah Ahmadvand [*]
Mohammad Tohidi [**]

Received: 14/01/2015
Accepted: 19/06/2016

In the history of Islam, Until the last century, Shiah and Sunni scholars haven't distinguished between consumption and production loans and riba in Islam absolutely has been forbidden. With the development of capitalism and its influence in Muslim countries, many businessmen, industrialists and bankers were faced with the problem of usury . To solve this problem, a group of theologists proposal interest-free banking model and others tried to present a new interpretation of riba with distinguishing between consumption and production loans. Based on this theory, these scholars believed conventional banking don't have any Shariah challenge, because loans that provided by conventional banks are production loans and receiving any return on these loans is not prohibited.

This paper reviews the historical background of the prohibition of riba and the reasons for it, then with reviewing and analyzing ten reasons about the prohibition of riba, we understand there is no complete reason for differentiating riba in consumption and production loans and riba absolutely is forbidden from the point of view of Islam.

Keywords: Riba, Consumption Loan, Production Loan, Commercial loans, Rabi Ignorant, Oppression, Eccles Void

JEL Classification: D52, D53

[*] Assistant Professor of Theology, Kermanshah University (Corresponding Author), ahmadvand@razi.ac.ir

[**] Ph.D. Student of Islamic Studies and Financial Management, Imam Sadiq University, tohidi83@gmail.com